

درباره‌ی مبارزه‌ی کارگران نفت و گاز و پتروشیمی: کمپین ۱۴۰۲

"از این همه سال کارگری فقط به شرافت نصیب مون شده. الان هم هر طوری باشه تحمل می‌کنم و بخاطر کمپین نمی‌رم سرکار. ولی کاش اعتراض رو از اول خرداد یا تابستون شروع می‌کردن. الان که هوا خوبه کار می‌کردیم و حداقل طلبکار بودیم. تو گرمای خرداد و تابستون هم کارگرا بهتر استقبال می‌کردن از کمپین، یه پولی هم دست مون بود برا زندگی. الان که هوا خوبه گفتن نرید سرکار. هیچ پولی هم دست مون نمونده از پارسال."

مبارزات کارگران پروژه‌های نفت و گاز و پتروشیمی این روزها دوباره آغاز شده است. در ادامه‌ی تلاش‌ها و مبارزات کارگران پارس جنوبی و سایر کارگران پروژه‌ای از سال‌های قبل، امسال نیز "کمپین ۱۴۰۲" از ابتدای اردیبهشت کارگران را به تخلیه سایت‌ها و پروژه‌ها فرا خوانده است. کمپین امسال دو خواسته‌ی اساسی را به عنوان حداقل خواسته‌های خود مطرح نموده است: بیست روز کار و ده روز استراحت و حداقل ۷۹ درصد افزایش دستمزد. "**تخلیه‌ی سراسری**" شکل ثابت این تلاش‌ها در چند سال اخیر با هدف پیگیری مطالبات گوناگون بخش‌های مختلف کارگران بوده است. کارگران از این مسیر تلاش کرده‌اند با ترک سایت‌ها و فلج نمودن تولید در سطحی گسترده، به خواسته‌های خود دست یابند.

وضعیت وخیم کار و معیشت اکثریت قریب به اتفاق این کارگران مهم‌ترین عامل شکل‌دهنده به این اعتراضات بوده است. تاثیر این شرایط وخیم را در انواع مطالباتی که مطرح شده است و شکل ویژه‌ی این مبارزات به روشنی می‌توان دید. درخواست افزایش دستمزد‌ها و پرداخت به موقع دستمزد و کاستن از فشار کار طاقت فرسا و طولانی‌روزانه و ماهانه محوری‌ترین خواست کارگران در تلاش‌های چند سال اخیر بوده است و سایر خواسته‌هایی را که در کنار این مطالبات واقعی مطرح شده است را کم‌رنگ نموده است. "**تخلیه سراسری**" شکل ویژه‌ی سازمان‌دهی برای حصول به این خواسته‌ها بوده است که عمدتاً از بالا و از طریق هماهنگی در **کانال‌های مجازی** بین کارگران سعی در ایجاد اتحادی در میدان عمل در میان کارگران داشته است. سایر شکل‌های مبارزه و تلاش، همچون اعتصاب در محل کار و در سایت‌ها در مقابل این خواسته کاملاً به حاشیه رانده شده

است. در میان خواسته های مطرح شده از دل این تلاش ها ، **خواست تشکیل اتحادیه ها و سندیکاهای کارگری محیط کار** نیز بسیار کمرنگ بوده است. البته مساله فقط مطرح نشدن این خواسته از سوی کارگران نیست، بلکه شکل این مبارزات یعنی تخلیه سراسری سایت ها نیز حداقل تا کنون مانع در دستور کار قرار گرفتن چنین خواسته ای بوده است.

در مورد دستاورد ها و موفقیت های این مبارزات در سال های گذشته می توان به افزایش نسبی عدد دستمزد ها در مواردی قابل توجه اشاره نمود . در موارد کمتری نیز خواسته ی پرداخت به موقع دستمزد ها برای بخش هایی از کارگران در بعضی از سایت ها و اکثرا به صورت موقت تحقق پیدا کرده است. این پیروزی ها شرایط کار و زندگی بخش هایی از کارگران را بهبود داده و باعث شده است که سال به سال امید کارگران به این کمپین ها بیشتر شود و از سمت آنان با استقبال بیشتری مواجه شود. رشد آگاهی و امید کارگران به مبارزات شان در محیط کار و به طور کلی تاثیر این پیشروی ها و پیروزی ها در امید و اعتماد به نفس کارگران غیر قابل انکار است.

در مقابل باید اشاره نمود که تقریبا در هیچ کدام از این موارد، تلاش های کارگران منجر به **تثبیت مطالبه ی مشخصی نشده است**. تلاش هایی که برای این پیروزی ها توسط کارگران صورت گرفته است هر ساله تقریبا از قدم اول باید از سر گرفته شود. و علت را هم در خواسته های مطرح شده و هم در نحوه ی مبارزه برای تحقق این خواسته ها می توان باید جست و جو نمود. همچنین خواهیم که سرمایه داران و نمایندگان شان چگونه در تلاش برای استفاده از نقصان هایی هستند که در مبارزات کارگران وجود دارد. اگر کارگران و رهبران شان این کاستی ها در شکل مبارزه و خواسته ها را رفع ننمایند، سرمایه داران همچون سال های گذشته قادر خواهند بود که در اتحاد کارگران خلل ایجاد نمایند و این باید جدی ترین نگرانی کارگران و رهبران شان باشد.

کارفرمایان، سرمایه داران و مزدوران شان نیز به فراخور شناخت و تصورات شان از وضعیت و قدرت اتحاد کارگران، برخوردی در شان خود و و طبقه شان بروز داده اند. گاه در ظاهر با کارگران هم صدا شده و به آنان در مورد خواسته هاشان شان حق داده اند و آنها را به مسیر های "قانونی" فرا خوانده اند. گاه برای کارگران اشک تمساح ریخته اند و فشار های وارده بر زیست و ومعیشت کارگران را فشار های مشترک قلمداد کرده اند و سعی نموده اند از این نمد برای خود کلاهی دست و پا کنند. گاه نیز نمایندگان بخش های وحشی تر

سرمایه داران کاملا مبارزه ی کارگران و خواسته ها شان را نادیده گرفته اند و گاه نیز برای "قانون شکنان" رجز ها خوانده اند.

نقطه ی مشترک تمامی این برخورد های ظاهرا متفاوت این است: تمامی این شیادان از خرد و درشت شان منتظر فرصت مناسبی نشسته اند که به دستاورد های کارگران حمله نموده و این مبارزات را تا حد امکان سرکوب نموده و منحرف نمایند، و از این طریق روحیه ی مبارزه و اتحاد کارگران را تضعیف کنند. اگر در این جنگ سرمایه داران دشمن روشن و مستقیم کارگران اند، لشکری از دشمنان پنهان در پشت سر خود دارند.

امسال نیز شروع مبارزات کارگران ترسی در دل سرمایه داران انداخته است. سرمایه داران و پادو های آموزش دیده شان رجز خوانی و فریب کاری علیه کارگران را شروع نموده اند. اشاره به مثال هایی در این زمینه ضروری است تا کارگران دشمن شان را بهتر بشناسند:

سختی اسدی رییس سازمان منطقه ویژه ی پارس جنوبی کسی است که کارگران باید بیشتر بشناسند و در چند ماه آینده نام او را بیشتر خواهند شنید. اسدی که برای تیم فوتبال پارس جنوبی جم بیشتر نگران است تا هزاران کارگر پارس جنوبی، در واکنش به مبارزات کارگران این منطقه از یک طرف مساله را کاملا تکذیب نموده و گفته است که هیچ اعتصابی در پارس جنوبی رخ نداده است و تمامی سایت ها با صد درصد ظرفیت مشغول فعالیت هستند. از طرف دیگر کارگران معترض را تعدادی کارگر فصلی دانسته است که خواسته های معیشتی دارند و تهدید نموده است که اگر این کارگران در موعد معین شده به کار باز نگردند با کارگران دیگر جایگزین خواهند شد. اسدی گفته است که ۱۰۰۰ نفر از این کارگران با افراد جدید جایگزین شده اند. این "رزمنده" اما نگفته است که اگر سایت ها با صد درصد توان و ظرفیت مشغول کار هستند و هیچ اعتراضی شکل نگرفته است، پس این هزار نفر را دقیقا جایگزین چه کسانی کرده اند. سختی اسدی نگفته است که آیا این "کارگران فصلی" همان ها نیستند که سود های هنگفت اربابان ش را تولید نموده اند؟ اینان همان کارگرانی هستند که همین یکی دو سال اخیر و در قالب همین کمپین ها ترس و وحشتی به جان سرمایه داران انداخته اند.

این اظهار نظر رییس منطقه ی ویژه ی پارس جنوبی به روشنی نشان می دهد که مساله ی زندگی و معیشت این هزاران کارگر برای اسدی و اربابان شان از کمترین اهمیتی برخوردار نیست. کارگران می توانند در این سخنان دریابند که از جانب سرمایه داران چگونه به آنان

نگریسته می شود. کارگرانی که اسدی "فصلی" خطاب نموده تمام آن کارگرانی هستند که برای ادامه ی زندگی خود و خانواده هایشان مجبورند تمام عمر در پروژه های مختلف جان بکنند و در پایان هر پروژه تنها اسدی ها می مانند و شرکا و سود حاصل از کار کارگران. اخراج و تعدیل پس از رسیدن پروژه ها به مرحله ی بهره برداری، و جایگزین شدن با افرادی کاملا جدید که به یکباره در سایت ها ظاهر می شوند تصویر و حافظه ی مشترک همه ی کارگران پروژه ایست. فصلی خطاب کردن این کارگران از جانب اسدی و تلاش برای جایگزین کردن آنان در پاسخ به مساله ی معیشتی شان به روشنی نشان می دهد که کارگران برای این ها ابزارهایی هستند برای تولید سود، و به محض تمام شدن کار دور ریخته می شوند و با کوچکترین اعتراضی به شدت سرکوب خواهند شد.

سختی اسدی کسی است که در سیزدهم شهریور ۱۴۰۱ در یک مصاحبه وجود آلودگی در عسلویه را به شدت تکذیب نموده و گفته است که وضعیت آب و هوا در عسلویه خوب است.^۱ این **رزمنده** یا تا کنون به عسلویه سفر نکرده است، و یا دیگر کوچکترین اثری از همان وجدان نمایشی سرمایه داران در ایشان نیست. ما نیز کاملا با ایشان در این زمینه موافقیم: آنجا که جهنم کارگران است برای سرمایه داران بهشت است.

کارگران پارس جنوبی برای درک میزان آلودگی هوا به هیچ آماری نیاز ندارند. کارگران در مورد آلودگی هوا در منطقه ی پارس جنوبی، به خلط سینه ی زرد و گوگردی شان بیشتر اعتنا دارند تا صحبت های رییس منطقه ی ویژه ی اقتصادی پارس جنوبی.^۲ کارگران بر اساس تجارب سال های پیش می توانند تشخیص بدهند که جایگزینی هزاران کارگر در چند روز دروغی بوده است از سر ناچاری و ترس. البته که اربابان سختی اسدی دست از تلاش و مبارزه شان علیه کارگران بر نخواهند داشت.

سختی اسدی در سخنان نهم اردیبهشت یاران دیگرش را نیز به کمک طلبیده است و گفته است که **"هفته آینده مدیران کل، مسئولین ارشد وزارت کار و معاون وزیر کار به**

۱. ایشان در یک مصاحبه گفته است: "پایش آنلاین ناحیه صنعتی نشان می دهد وضع آب و هوا در منطقه عسلویه خوب است، شاید مواردی از بیماری سرطان در منطقه باشد اما اینکه بگوییم ناشی از آلودگی هوا در منطقه ویژه است، صحت ندارد. شما اگر این پرسش را از سازمان محیط زیست، سازمان انتقال خون و دانشگاه علوم پزشکی استان (بوشهر) بپرسید، همه آنها این پرسش را با جدیت و مستندات تکذیب خواهند کرد." این مصاحبه در سایت شبکه ی اطلاع رسانی نفت و انرژی (شانا) قابل دسترسی است.

۲. بسیاری از کسانی که به عسلویه سفر کرده اند دیده اند که کارگران نظافت شهری در اولین ساعات روز با جارو زدن حاشیه ی جاده ی اصلی ورودی به شهر، تل هایی از گوگرد جمع می کنند که در ساعات کم رفت و آمد و روزهای گذشته از آسمان عسلویه بر زمین نشسته است. زرد بودن تف های کارگران در این منطقه ورد زبان بسیاری از کارگران بوده است.

منطقه ویژه پارس می‌آیند تا بتوانیم از ظرفیت نیروی کار سایر استان‌ها استفاده کنیم و کارگران را جایگزین کنیم." وزارت کاری که هر ساله در سه جانبه‌گرایی نمایشی شورای عالی کار، خود را به عنوان بی طرف به کارگران معرفی نموده است در چنین مواقعی تعارفات معمول را کنار گذاشته و در قامت واقعی خود در صحنه ظاهر شده اند: **وزارت کارفرمایان.**

غلامحسین حسینی‌نیا رئیس سازمان فنی و حرفه‌ای کشور در یک نشست مطبوعاتی در تاریخ ششم اردیبهشت، یعنی چهار روز پس از آغاز مبارزات کارگران در قالب کمپین و **پس از گرامیداشت هفته ی کارگر** گفته است: " اگر جوانان مهارت داشته باشند، شغل آن‌ها تضمین شده است. روز گذشته نامه‌ای از بوشهر برای جذب بیش از ده هزار نیروی آموزش دیده به دست ما رسید و همه‌ی اینها نشان می‌دهد با مهارت می‌توان به اشتغال رسید . "

حسینی نیا کارگران را فراخوانده است تا آموزش لازم را ببینند و به عنوان **اعتصاب شکنان** به دیگر کارگران هم سرنوشت خود خیانت نمایند و در پاداش این خیانت، کاری طاقت فرسا در شرایط وحشتناک و دستمزدی در حد زنده ماندن و جان کندن بدست بیاورند. سرمایه داران از تمامی ظرفیت های خود استفاده می نمایند تا از هر طریقی کارگران را بترسانند و اتحادشان را از هم بپاشند. اما کارگران از چیزی جز ادامه ی این وضعیت فلاکت بار زندگی شان نمی ترسند و البته باید تنها ترسشان از هم پاشیدن صف متحدشان باشد و در راه تقویت اتحادشان از تلاش و مبارزه دست نکشند.

در مقابل سرمایه داران و دولت، وزارت خانه ها و دادگستری، نیروی انتظامی و سایر نهادهای دولت سرمایه داری، کارگران چیزی نخواهند داشت جز قدرت اتحاد و آگاهی شان، و این از تمامی سلاح های سرمایه داران اثر بخش تر خواهد بود. همین آگاهی از قدرت اتحاد است که کارگران پروژه ای و بخصوص پارس جنوبی در یکی دو سال اخیر بدست آورده اند. تقویت این اتحاد و آگاهی در چند سال اخیر همان چیزی است که کارگران باید جشن بگیرند.

برای تقویت هر چه بیشتر این اتحاد و آگاهی کارگران ناگزیرند که دستاورد هایشان را **تثبیت** نمایند. این که کارگران هر سال تقریباً از نقطه ی اول مبارزه شان را برای افزایش دستمزد آغاز نمایند، هزینه های گزافی بر دوش کارگران می گزارد. گذراندن روزهای بسیاری دور از کار و دستمزد و فشار طاقت فرسای تامین معیشت روزانه کارگران و خانواده هاشان در این شرایط برای روحیه مبارزه و اتحاد کارگران خطری است که باید دیده شود و برای آن

چاره اندیشی شود. مبارزات سال های گذشته همین کارگران این خطر را به روشنی نشان می دهد.

سرمایه داران نیز بیکار ننشسته اند و عقب نشینی های سال های گذشته شان دورخیزی خواهد بود برای حمله های سهمگین تر به کارگران و اتحادشان. این را نیز تجربه کارگران در مسیر کار و مبارزه به خوبی نشان می دهد. رجز خوانی های امسال سخاوت اسدی نشان از پیش بینی ها و تلاش های سرمایه داران است برای مقابله با این شکل از مبارزه ی کارگران.

جایگزین کردن کارگرانی که در "تخلیه ی سراسری" سایت های پروژه ها را ترک کرده اند توسط **اعتصاب شکنان** دردستور کار روز سرمایه داران است و خطری کاملاً جدی است. اگر کارگران به سمت شکل های جدید تر مبارزه نروند، سرمایه داران هر سال آمادگی بیشتری برای بی اثر کردن تلاشهایشان خواهند داشت.

کارگران برای مقابله با این خطر چاره ای نخواهند داشت جز این که به سمت اعتراض و اعتصاب در محیط های کارشان حرکت نمایند. مبارزه در محیط کار به شکل تجمع و اعتصاب قدم بعدی و عرصه ی جدیدی است که در شکل عالی تر خود، به شکل تشکیل سندیکا ها و اتحادیه های مستقل کارگران در محیط کار، قدرت آگاهی و اتحاد و مبارزه ی طبقاتی کارگران را به سطحی جدید فرا خواهد برد. تشکیل این اتحادیه ها و سندیکاها همان ابزار ضروری کارگران است برای تثبیت نتایج تلاش ها و تجربیات مبارزه، برای ادامه ی مبارزه با سرمایه داران و دم و دستگاه شان.

مبارزات سال های اخیر کارگران پروژه ای، فارغ از افکار رهبران مجازی آن، جدای از آنان که برای کارگران اشک تمساح ریخته اند، جدای از آنانی که خود را خود خوانده رهبر این مبارزات معرفی کرده اند، و فارغ از رجز خوانی های اسدی و امثال ایشان، بخش بسیار بزرگی از کارگران را به عرصه ی مبارزه کشانده است. این مبارزات این امید را بار دیگر زنده کرده است که این کارگران مبارز، با همان لباس های ژنده و سیاه و عرق آلودشان، راهبر و پیش قراول مبارزه ی طبقاتی کارگران در ایران باشند. مبارزات کارگران در پارس جنوبی و سایر پروژه ها و سایت های دیگری که در این مبارزه دخیل هستند، همان اهرمی است که می تواند شرایط را به صورت واقعی به نفع کارگران عوض نماید. امید که چنین باشد.